

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه ی ، دوشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۴ - ۲۵ محرم ۱۴۳۷

ادامه ی آیات دال بر جواز قیام در زمان غیبت

سه. «وَلَنْبَلُوْنَكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِيْنَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِيْنَ وَنَبْلُوْا خُبْرَكُمْ»^۱

بررسی عبارات و قیود آیه:

اولاً: آیه به صراحت بر اینکه جهاد فی سبیل الله ابزار آزمایش و امتحان مردم است دلالت دارد تا در نتیجه کسانی که در این راه مقاومت می کنند شناخته شوند. بر اساس این که آیه عام است می توان گفت جهاد فی سبیل الله و صبر و مقاومت در این راه ابزار آزمایش تمام مؤمنان است.

ثانیاً: اغلب مفسران از جمله مرحوم علامه طباطبایی در المیزان مراد از اخبار را اعمال انسانها بیان کرده اند. در نتیجه معنای تعبیر «و نبلو اخبارکم» این است که خداوند انسانها را از طریق اعمالی که انجام می دهند مورد آزمایش قرار می دهد.

ثالثاً: بخشی از آیات سوره مبارک محمد در مورد اهل ایمان و بخشی درباره کافران است. خدای سبحان در آیات مربوط به مؤمنان با ضمیر مخاطب سخن فرموده و آیات مربوط به کفار را با ضمیر غایب بیان کرده است. چنانکه در آیه نخست سوره که درباره کافران است آمده: «الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوا عَنِ سَبِيْلِ اللّٰهِ اَظْلَمُ اَعْمَالُهُمْ»^۲ و در آیه دیگر که درباره مؤمنان است آمده: «فَاعْلَمْ اَنْهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِدَنِّبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبًا بِكُمْ وَمَثْوَاكُمْ»^۳

۱. سوره محمد، آیه ۳۱.

۲ محمد / ۱

۳ همان / ۱۹

از آن رو که آیه محل بحث با ضمیر مخاطب بیان شده است معلوم می شود آیه درباره مومنان است: « وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ وَ نَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ ».

رابعاً: این آیه بر سایر آیات سوره که درباره مومنان است امتیاز دارد. چه خداوند سه مرتبه از ضمیر مخاطب استفاده کرده و اهل ایمان را مورد خطاب قرار داده است: « لَنَبْلُوَنَّكُمْ » , « الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ » , « أَخْبَارَكُمْ ».

اختصاص نداشتن آیات قرآن به مشافهین:

گاهی گفته می شود آیات قرآن و احکام آن مختص به مشافهین و کسانی است که در زمان نزول قرآن طرف خطاب بوده اند. در این صورت تبعیت غیر مشافهین از آیات و احکام قرآن به تبع مشافهین می باشد. بر طبق روایات اهل بیت خطابات آیات قرآن مختص مشافهین نیست و تمام مشافهین و غیر مشافهین نسبت به خطابات قرآن مشترک اند. آیات قرآن نیز بیان می کنند که طرف خطاب قرآن اعم از مشافهین و غیر آنان است. چنانکه در آیات ابتدایی سوره جمعه تمام انسان هایی که تا روز قیامت به امین ملحق می شوند سوژه دعوت رسول خدا بیان شده اند:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لِنِي ضَالِّينَ مُبِينِينَ»^۱

بررسی دلالت آیه:

در میان مجموعه آیات سوره محمد تنها آیه ای که ملاک و محور آزمایش اهل ایمان را مشخص فرموده، آیه مورد بحث است که ابزار آزمایش مؤمنان جهاد و پایداری بر آن معرفی شده است. یعنی اگرچه مومنان متعبد و مقید به انجام عبادات اند اما معیار آزمایش و امتحان برای ایشان جهاد و صبر و مقاومت در آن است. از آن رو که آیه عام است این معیار آزمایش منحصر

^۱. سوره جمعه، آیات ۳۲.

به زمان حضور معصوم نیست بلکه ملاک امتحان در عصر غیبت نیز به شمار می‌رود. بنابراین افراد مومن در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با ملاک حضور در جهاد و صبر و مقاومت بر آن مورد آزمایش و امتحان قرار می‌گیرند. بر اساس اشتراک مخاطبین و مشافهین و غیر ایشان در خطاب‌های قرآن، در آیه شریفه مورد بحث از سوره محمد خطاب‌های «لَتَبْلُوَنَّكُمْ»، «الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ» و «أَخْبَارَكُمْ» تمام مسلمانان و هر فرد مورد خطاب قرآن را شامل است. بنابراین معیار آزمایش تمام مومنان چه مومنان حاضر در عصر نزول قرآن و چه مومنان سایر زمان‌ها جهاد و مقاومت در آن است. نتیجه اینکه از عمومیت و اطلاق لفظی آیه که هیچ مناقشه‌ای در آن ممکن نیست و با توجه به اختصاص نداشتن خطاب‌های قرآن به مشافهین استفاده می‌شود جهاد در زمان غیبت مشروع و جایز است. چه امر غیر مشروع نمی‌تواند ملاک آزمایش الهی قرار گیرد.

البته برای اثبات اصل وجوب جهاد نمی‌توان به این آیه استدلال کرد و اثبات وجوب جهاد به ادله دیگر نیاز دارد. اما از این آیه می‌توان عمومیت جواز جهاد را در تمام زمان‌ها استفاده کرد.

چهار. «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرَانِمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ»^۱

بررسی عبارات و قیود آیه :

أ. «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ»

عبارت «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» در آیه که عموم و اطلاق لفظی دارد حکم عامی را بیان می‌کند که تمام مکلفان را شامل می‌شود. بنابراین لزوم مقاتله با ائمه کفر در تمام ازمه از آیه استفاده می‌شود.

ب. «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ»

^۱ توبه / ۱۲

این عبارت موضوع حکم مورد اشاره را شرح می دهد و مشخصات ائمه کفر که لازم است مومنان با ایشان قتال کنند را بیان می کند. بنا بر این تعبیر، ائمه کفر کسانی هستند که پس از بیعت کردن، تخلف ورزند و در دین طعن ایجاد کنند. مرحوم علامه طباطبایی رحمة الله علیه درباره وجه تسمیه کسانی که نکث ایمان می کنند به ائمه کفر فرموده است: حرکت کسانی که بیعت خود را از بین می برند و در دین طعن ایجاد می کنند به مثابه کفرورزی به آیات الهی است و چون دیگرانی از این حرکت ایشان پیروی می کنند به افراد دسته ی اول پیشوایان کفر اطلاق می شود: «سماهم أئمة الكفر لأنهم السابقون في الكفر بآيات الله يتبعهم غيرهم ممن يليهم».

استشهاد امیرالمومنین به آیه در جمل:

در جریان جنگ جمل وقتی سپاه امیرالمومنین برابر لشکر دشمن صف کشیدند، یکی از یاران امام محضر ایشان آمد و اجازه خواست تا به میدان رود و پس از اتمام حجت با طرف مقابل، نبرد کند. حضرت به او اجازه ندادند و وجود نازنین خودشان راهی میدان شدند. امیرالمومنین سپاه دشمن را مخاطب قرار داده فرمودند: آیا در مدت خلافت من، پیمانی بسته اید که آن را بر هم زده باشم؟ آیا حلالی را حرام یا حرامی را حلال کرده ام؟ آیا حرامی را مرتکب شده ام؟ آیا برای خویشانم از بیت المال سهمی در نظر گرفته ام؟ آیا در تقسیم بیت المال مسلمانان یا قضاوت ها و تقسیم غنائم خلاف عدلی مرتکب شده ام؟ پس از اینکه همگان به پرسشهای امام پاسخ منفی دادند آن حضرت این آیه را تلاوت کردند و فرمودند: حال که به سخن من اقرار دارید باید توبه کنید و برگردید. در غیر این صورت مصداق این آیه هستید.

چگونگی استدلال به آیه:

با توجه به اطلاق و عموم لفظی آیه قیام علیه تمام کافران بر تمام اهل ایمان لازم است. بنابراین کسانی که در زمان غیبت به سر می برند نیز باید با ائمه کفر مقاتله کنند. به بیان دیگر چون بر اساس اطلاق و عموم آیه هر نوع قتالی در برابر ائمه کفر مجاز است، مبارزه با کسانی که نکث ایمان کرده و در برابر حاکمیت الله حکومت تشکیل داده اند ضرورت دارد. استشهاد امیرالمومنین به آیه در نبرد با مسلمانانی که نقض پیمان کردند نشان می دهد ائمه کفر طواغیتی که از میان مسلمانان هستند و به مردم ظلم می کنند را نیز شامل می شود.

بنابراین موضوع آیه لزوم مقاتله با کفار بیرونی که علیه مسلمانان قیام کنند و طواغیت داخلی است که نقض عهد کرده‌اند و در خط مبارزه با دین قرار گرفته و می‌خواهند حدود الهی را از بین ببرند.

اشکال به استدلال:

اشکال دقیقی در اینجا وجود دارد که استدلال پیشگفته را با چالش مواجه می‌کند. توضیح اشکال این که حرف "فا" در ابتدای عبارت « فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ » فاء جزای شرط است. لذا « قَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ » جزای شرط‌های پیشگفته در صدر آیه می‌شود. وقتی حکمی به عنوان جزای شرط شد تحقق آن محدود به تحقق شرط است. بنابراین اطلاق لفظی « فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ » از بین می‌رود و حکم مقاتله با ائمه کفر به صورت تحقق شرط‌های مندرج در صدر آیه یعنی نکث ایمان و طعن در دین محدود می‌شود. یعنی موضوع حکم مقابله در آیه فقط به کسانی مربوط است که در برابر ولی امر مسلمین بیعت شکنی کنند. با توجه به از بین رفتن اطلاق و صریح بودن آیه در مورد خاص، پاسخ مورد مخصص نیست، اشکال را از بین نمی‌برد.

پاسخ اشکال:

در قرآن آیات فراوانی داریم که خداوند متعال جمله‌ی شرطیه‌ای را بیان فرموده و جواب و جزای شرط را به صورت یک قاعده‌ی کلی آورده است و این از رموز فصاحت قرآن کریم است. در این صورت افراد داخل در شرط داخل در موضوع حکم کلی جزا می‌باشند. به بیان دیگر افراد شرط به طور قطعی موضوع حکم جزا هستند اما این به این معنا نیست که حکم جزا موضوع و فرد دیگری ندارد.

از جمله در آیه « وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ »^۱ جزای غالب بودن حزب الله یک حکم کلی است و کسانی که ولایت خدا و رسول را بپذیرند و ایمان آورند از جمله افراد حزب الله به شمار می‌روند. گو اینکه آیه فرموده است: « وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا - فَهُوَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ - فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ.

^۱ مائده / ۵۶

در آیه مورد بحث نیز چنین است که حکم « فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ » کلی است. لذا گرچه افراد ناقض ایمان و طعن کننده در دین به طور قطعی از افراد ائمه کفر می باشند و در موضوع حکم قتال قرار دارند، اما چنین نیست که فقط کسانی که نقض ایمان کرده اند ائمه الکفر باشند. با این توضیح می توان از جواب شرط « فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ »، عموم و اطلاق لفظی استفاده کرد و لزوم مقاتله با افرادی که در امر کفر پیشقدم اند چه در زمان حضور معصوم و چه غیبت وی را نتیجه گرفت.

البته از امر قاتلوا می توان وجوب هم فهمید ولی ما فعلا در مقام اثبات اصل جواز و مشروعیت جهاد و قیام در عصر غیبت هستیم.

نتیجه استدلال به کتاب

بر اساس چهار آیه مورد اشاره، عمومیت حکم جواز قیام و جهاد در عصر ظهور و غیبت معصوم روشن شد. البته آیات قرآنی مربوط به جهاد فراوان است لیکن دلالت این آیات در تبیین مدعای مورد بحث درباره ی اثبات عمومیت جواز روشن تر از بقیه است.